

۱۳۴
۱

۱۶۷۶۴

اعتماد	مجله
فروردین ۱۳۲۸	تاریخ نشر
۴۸	شماره
	شماره مسلسل
کوان	محل نشر
فارسی	زبان
موسی اربیل	نویسنده
۲۲ صفحه	تعداد صفحات
فردی قال (موردی)	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

«أَلَمْ يَجْعَلْكَ يَتِيمًا فَآوَى»: از اینجا سخن

عوض می شود و برای تسکین خاطر و تقویت روح و ایجاد اطمینان و سکون بیشتر، نعمتها و الطاف گذشته را یادآوری می نماید. تذکر می دهد که تویتمی بودی که پیش از تولد تو پدرت از دنیا رفته بود و در شش سالگی آغوش پرمهر مادر را از دست دادی و در نه سالگی، «عبدالمطلب»، پدر بزرگ مهربانت از تو جدا شد؛ در عین حال در سایه فضل خداوند مکانت پافتی و صاحب ماوی شدی.

نکته قابل ذکر اینست که این جمله بدان معنی نیست که تو بزرگه آتی از زمان را بی پناه و بی ماوی بودی، سپس خداوند پرتو ماوی داد، زیرا رسول الله از نخستین روز زنده گانیش بی ماوی نبود؛ یا دامن پرمهر و آغوش گرم مادری چون «آمنه»، یا کنار پدر بزرگی چون «عبدالمطلب» که در جلالت قدر و خلوص شخصیت سرآمد دوران بود، یا حمایت عمومی چون ابوطالب ماوی او بود. بلکه منظور اینست که تویتمی بودی و می بایست به جهت محرومیت از وجود پدری ماوی باشی، ولی هیچگاه خداوند تو را بی ماوی نگذاشت بلکه همواره توسط شخصیت های ارزنده جای پدر را در زندگیت پر کرد.

«وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى»: عطف هست

بجای «أَلَمْ يَجْعَلْكَ»، در معنی این آیه شریفه معانی زیادی گفته شده و داستانهای نقل گشته و احتمالاتی داده شده است. همه این مطالب ناشی از این است که «ضال» بمعنای متعارف به «گم گشته راه حق» اطلاق می شود و اگر کسی چنین باشد، حتماً باید سالک راه باطل باشد، یا از نظر عقیده و ایمان یا از نظر عمل و کار، انسان ضال به کسی گویند که یا بداندیش است، یا بدخواه است یا بدعمل و زشتکار، یا هردویا هر سه و کمترین حده ضال تحیر و سرگردانی و ناتوانی از تشخیص حق از باطل و در تردید و دودلی و شک بسر بردن و به سوی حق نبردن است، گرچه متوسل در باطل هم نباشد. و نسبت دادن چنین مطلبی به رسول الله (ص) با مقام والای نبوت و رسالت سازگار نیست، زیرا چگونه ممکن است یک شخص العباد بالله آلوده به معصیت و گناه و ذنابل اخلاقی و انحراف عقیدتی یا حیران و سرگردان و ناتوان از تشخیص حق و باطل و دور از آگاهی و بینش، شمع هدایت و چراغ پر نور راه حق و هدایت مجسم باشد؟ «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَنَبِيًّا وَتَذَكِّرًا وَذَاعِبًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِذَكِيرٍ

وَسِرَاجًا مُنِيرًا»، کسیکه ردای رسالت بر قامت

رسای او شایسته است و نبوت در او ختم شده و تربیت کننده علی و زهراست؛ کسیکه فضیلت او را خدا می ستاید و اول من اسلم است و هادی قوم و شهید است، حامل وحی، رحمت بر جهانیان و برصراط مستقیم استوار است؛ کسیکه از روی هوا سخن نمی گوید و از «شدید القوی» تعلیم یافته و نسبت به مؤمنین، از نفسشان اولی است و در تورات و انجیل متوجه شده و دارای خلق عظیم است؛ چگونه ممکن است چنین کسی روزگاری گمراه بوده و سپس اصلاح شده باشد؟ علاوه بر این، اگر چنین چیزی را ممکن شماریم، آیا مردمی که او را به فساد و انحراف عقیده می شناسند و از ضعفهای روحی و مواضع ضد تقوایی او سراغ دارند، چگونه ممکن است گرد او در آیند و ضعفهای او را فراموش نمایند و در طول مجاهدات و مبارزات - که از هیچ همت و افتراقی فروگذار نمی شد - آن ضعفها را به رخ او دکشند، در صورتیکه او را مانند فرزندان خود می شناختند و او یک چهره شناخته شده نزد آنان بود و همانها او را «امین» لقب داده بودند؟

ولی مطلب اینجاست که آیه فوق به چنین مطلبی اصلاً دلالت ندارد تا برای توجیه آن دنبال احتمالات برویم؛ آیه می گوید اگر هدایت خدا نبود تو گمراه بودی، چنانچه در آیه پیش می گوید اگر ایوا و پناه دادنی خدا نبود، تویتمی بی ماوی بودی و ما شکی در این نداریم که اگر لطف و رحمت و هدایت و راهنمایی خدا نباشد، هر کسی در معرض ضلال و گمراهی است و هر چه شخصیت بالاتر و موقعیت حساستر باشد، خطر بیشتری شود، حتی در پیغمبر و امام. خداوند به پیامبر (ص) خطاب می کند:

«وَأَن آخِذْكُمْ بِبَیِّنَاتٍ مِّنَ آيَاتِ اللَّهِ وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَهُمْ وَآخِذْ لَهُمْ آيَاتِ اللَّهِ فَتُحْضَرُوا إِلَى اللَّهِ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»

«وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهتَمْتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ...»
«وَأَن كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوتِيتَ وَإِنَّكَ لَئِن لَّمْ تَنصُرْ عَمَلْنَا غَيْرَ وَادَّا لَآخِذُونَكَ خَلِيلًا»

تفسیر این آیات در قرآن کریم بطور پراکنده

زیاد است و منظور از هدایت خداوند، همان آ و نواهی و دستورات خداست که مرتب پیامبر مخاطب قرار داده و آتی از او غافل نیست. بنا بر این در معنی آیه مبارکه مشکلی نخواهد ماند.

«وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى» ظاهر آیه اشاره است به ازدواج رسول الله (ص) با حضرت خدیجه و حل مشکل آن حضرت از این طریق.

«فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»: این آیات مبارکه در سه فرمان مشخص، سه نتیجه گیری می کند:

- ۱ - ضعفها را با استفاده از ضعفشان زیون مساز و آنان را استعمار مکن و خود و بار سنگین زندگیت را بر آنان تحمیل مکن؛
- ۲ - از نهی دستان دوری مگزین؛
- ۳ - نعمتهای گذشته را متذکر باش.

این سوره مبارکه با توجیه به اینکه از سوره هایی است که در سالهای اول بعثت بر پیغمبر (ص) نازل گشته است، مانند سوره «مذکر» و «مزل» و بعضی سوره دیگر، مربوط به شخص پیامبر است و آماده کردن او برای آیینهای بیس بزرگ و مأموریتی سنگین و سخت، باید از این آیات شریفه نتیجه گرفت هر کس در موقعیت حساس اجتماعی و سیاسی قرار گرفت، باید به خودسازی و مراقبت خویش توجیه بیشتر داشته باشد زیرا خطر بسیار جدی و نزدیک است.

آیات مبارکه این سوره بنابر گفتار سابق درباره مراکز و محورهای شناخت، مربوط به مرکز دو (شناخت انسان) و محور یک (خدا - انسان) می باشد.

• پاروئی ها:

- ۱ - سوره احزاب، آیه ۴۵
- ۲ - مانند: ۴۹ - «وَتَو (ای پیامبر) بدانچه خدا بر تو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواهشهای آنها مباش و بیندیش که مبادا تو را فریب دهد و در بعضی احکام که خدا بر تو فرستاده تقاضای تغییر کند...»
- ۳ - نساء: ۱۱۳ - «وَأَگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبوده، گروهی از آنان همت بر آن گماشته بودند که تو را از راه حواب دور سازند (ولی به لطف خدا) آنها خود را از راه صواب دور ساخته، به تو هیچ زبانی نتوانند رسانند و خدا بر تو این کتاب و مقام حکمت و نبوت را عطا کرد و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت...»
- ۴ - بنی اسرائیل: ۷۳ - «(ای رسول ما) کافران نزدیک بود که تو را فریب داده و از آنچه به تو وحی کردیم غافل شوی و چیز دیگر بر ما انفرابندی تا مشرکان تو دوست خود بگیرند.»